

برهان‌الدین بزرگمهر (ب.ب. توره‌یف)

سنت‌های موسیقی و سرودهای یغنابی

یغنابیان یک گروه قومی از نژاد آریائی، از تبار مردم ایرانی شرقی و دقیق‌تر یک قوم بس نادر و کم‌نظیر و کوچک سغدتبار و سغدزبانند که در ردیف دیگر قومها و گروههای ایرانی، مانند اقوام روشانی، شغنی، و خانی، برتنگی، اشکاشمی، یزغلامی، سریقولی، راشاروی و غیره به گروه خانواده زبان‌های شرقی ایرانی منسوب بوده، از قرنهای ۳-۲ قبل از میلاد تا به امروز در وادی باستانی یغناپ به سر می‌برند.

زبان یغنابی که ادامه بی‌واسطه زبان سغدی است، تاکنون با تضاد عجیب تاریخی در بالاآب رود زرفشان، یعنی یغناپ‌دره باقی است که یکی از یادگارهای زنده و نادر تمدن ایرانی نژاد و جهان به حساب می‌رود.

یغنابیان سغدی‌زبان، مثل بدخشانی‌ها دوزبان‌اند، یعنی در کنار زبان مادری (یغنابی)، زبان فارسی تاجیکی را نیز می‌دانند که زبان تاجیکی به عنوان زبان علم و معرفت و دانش بین یغنابیان معمول است.

یغنابیان چون اجداد گذشته خود، سغدیان قدیم، به هنر موسیقی میل و رغبت و دل‌بستگی بی‌اندازه‌ای دارند.

از مواد گردآوری شده توسط محققین سابق زبان یغنابی چنین به نظر می‌رسد که در ظاهر به زبان یغنابی شعر و سرود گفته نشده و تنها به زبان تاجیکی ایجاد می‌شده است. علت این امر را ش. اکیمیت‌اف چنین شرح می‌دهد: «یغنابی‌ها می‌گفتند که به زبان آنها نه کتاب، نه افسانه، نه ضرب‌المثل و مقال، نه دوبیتی و نه شعر موجود است»^۴.

محقق آلمانی گ. یونکر که سال ۱۹۱۳ از یغناپ دیدن کرده است، چنین گزارش می‌دهد: «یغنابی‌ها بر آن باورند که به زبان مادری آنها افسانه موجود نیست. آنها تصدیق می‌کنند که حتی سرودهای یغنابی را به زبان تاجیکی می‌گویند و می‌سرایند». و در آخر چنین

نتیجه می‌گیرد که: «تا وقتی که نمونه‌های واقعی سرودهای مردمی اصیل یغناپی آشکار و اثبات نشود، خواه ناخواه به معلومات خود نمایندگان یغناپی می‌توان اطمینان حاصل کرد و حتی‌الامکان باید بررسی و تحقیق کرد که آن نمونه سرودهایی که بعداً ممکن است یافت شوند، مبدا که از زبانهای تاجیکی یا از یکی ترجمه شده باشند. من تماماً سرودهای یغناپی و دوبیتی‌های مردمی و مانند اینها را مشاهده نکردم».^۵

عالم زبان‌شناس س. کلمچتسکی هم بر آن عقیده است که فولکلور یغناپیان به فولکلور محلات تاجیک زبان اطراف یغناپ منسوب است.^۶

با وجود این، در بین مواد جمع‌آوری شده توسط شرق‌شناس و مردم‌شناس شوروی م.س. اندریف و مردم‌شناس ا.م. پشیریوا چند شعر و دوبیتی موجود است که با زبان یغناپی ایجاد و سروده شده‌اند.^۷

م.ن. باگالیابوف سال ۱۹۴۷ و بعداً سال ۱۹۶۲ هنگام سفر علمی خویش به یغناپ، مجموع نه آن قدر بزرگ نمونه‌های ایجادیات شفاهی یغناپیان را جمع‌آوری می‌کند. همچنین برای او میسر شد که دو سرود مردمی به زبان یغناپی را ثبت نماید.^۸

ا.ل. خرموف هم به این موضوع توجه ویژه ظاهر نمود و غیر از تخصص اصلی خویش که زبان‌شناسی بود، به جمع‌آوری مواد فولکلوری و شعر و سرودهای یغناپی نیز مشغول می‌شود. او در سفرهای کاری سالهای ۱۹۶۳-۱۹۶۵ چندین افسانه، لطیفه، چیستان و سرود به زبان یغناپی را ثبت نمود و یک بخش از آنها را منتشر کرد.^۹

سال ۱۹۷۰ یک گروه علمی متشکل از س. میرسعیداف، ز. تاجیک‌اوا و پ. عاشوراف به یغناپ سفر کرده، از دهات مرغیب پایان (پایین)، خشارتاب، ورساوت، و غنزای، پله‌راوت، مرتیمین، شخسره، خساکدرو و کریانتی دیدن کرده، برخی معلومات در زمینه سنن و رسوم و موسیقی یغناپیان جمع‌آوری نموده، به چنین خلاصه‌ای می‌آیند که سنتهای موسیقی مردم یغناپ و طرز اجرای سرودها، از دیدگاه ژانر و اسلوب به سبک موسیقی مردم زرفشان (فلغر و مستچاه و پنجکنت) و شمال تاجیکستان خیلی نزدیک است.

هنگام تحقیقات سفر سال ۱۹۷۳ به ناحیه ظفرآباد، متخصصان مردم‌شناس، م. حامدجان‌اوا، ن. بابایوا و س. عیسی‌یوا با زندهای یغناپی صحبت کرده، مواد فراوانی در موضوع مردم‌شناسی جمع‌آوری نمودند. محقق رشته سنتی موسیقی مردمی، ز. تاجیک‌اوا به واسطه زندهای یغناپی، بیش از ۱۵۰ نمونه از ژانرهای موسیقی و سرودهای یغناپی را در نوار ثبت می‌کند که بیشتر آنها در موضوع عشقی بهاریه، مهر مادر، یاد دیار کوهستان، غربت، وصف آبهای شیرین یغناپ، سور و خرسندی و غیره سروده شده‌اند.^۱

در حیات فرهنگی مردم سغد، هنر موسیقی مقامی خاص داشته است. مجسمه نیم‌سوخته چوبین رقاصه زیبای سغدی شهر پنجکنت یافت شد که اکنون در آثارخانه ارمنی‌ناژ سنکت‌پیتربورگ نگهداری می‌شود. مجسمه‌های سفالی زیادی در سرزمین سغد یافت شده که در آنها مردان و زنان، نی، سرنا، عود و بریط می‌نوازند و دف می‌زنند. همچنین در دیوارنگاره‌ها و مصوره‌های پنجکنت قدیم نوازندگان طبل، بریط، چنگ، عود، نی، دوپانی(دونای)، دف و دایره را نیز می‌توان مشاهده کرد. مردم سغد نه تنها به موسیقی خویش، بلکه به هنر والای رقص هم شهرت داشته، در میان آنها آهنگها و سرودهای ویژه رقص نیز موجود بوده است. بعضی رقص و سرودها انفرادی و برخی دسته‌جمعی اجرا می‌شده‌اند.

در سغد رویه‌های گوناگون هنر رسامی و نقاشی رایج بوده است که بیشتر در دیوارنگاره‌ها می‌توان آن را دید. در دیوارنگاره‌ها، مناظر عجیب قربانی، نیایش و پرستش آتش، رقص پیرامون گلخن، رقص پریدن از بالای آتش، رقص مراسم ماتم و سوگواری (مثل دیوارنگاره مراسم ماتم «سوغ سیاوش» در پنجکنت)، بزم و ضیافت، زورآزمایی جنگاوران و پهلوانان و دیگر لحظه‌های جالب حیات اجتماعی و فرهنگی سغدی در بزم و رزم و ضیافت و پرستش و ...، مردان و زنانی که سازهای گوناگون موسیقی می‌نوازند، می‌رقصیدند، لباس جنگی پوشیده در جنگ‌ها و نبردها و مسابقه‌ها و زورآزمایی‌ها و جشنها و شرکت کرده‌اند، به تصویر کشیده شده است.

امروزه کاسته شدن سنتهای محلی یغناپی را می‌توان در تأثیر زبان تاجیکی و سرودهای مردمی تاجیکی (به ویژه سرگه زرافشان) بر فرهنگ مردم یغناپ ارزیابی کرد. اما

سنت‌های موسیقی رایج و اصیل مراسمی یا توده‌ای مردم یغنا ب با نوای موسیقی، «نَهت»، «مخمس»، «هوازی»، «فلک» و ژانر «گوراوغلی‌سرای»، «بیت‌های عاشقی»، «بارک‌الله»، «عید مبارک وات»، «طوی مبارک وات» و غیره بوده است.

از ادیبان یغنایی، شاعر بزرگ غزلسرا، هنرمند ممتاز و دوتارنواز و تنبورنواز خوش‌ذوق، نماینده نیمه دوم قرن ۱۶ و اوایل قرن ۱۷، لوحی یغنایی می‌باشد که از اوان خردسالی به سرودن غزل آغاز کرده است. او اصلاً زاده یغنا ب بوده، طبق روایات مردمی، همراه والدان خود از زادگاهش روستای ده‌بلند یغنا ب به روستای یغنایی‌نشین هزاره زی‌ده (ناحیه ورزاب امروز) آمده، چندین مدت در روستای نامبرده می‌ماند. و در نهایت برای تحصیل و تکمیل علم به شهر سمرقند رفته، تا آخر عمر خویش در آن شهر به سر می‌برد. بنا بر معلومات مؤلف «تذکره الشعرا»ی مطربی سمرقندی، شاعر و غزلسرای مشهور ادبیات اواخر قرن ۱۶ و ابتدای قرن ۱۷، از ۱۰۴ نفر شاعر و ادیب مشهور قرنهای ۱۶ و ۱۷ حوزه ادبی سمرقند، لوحی یغنایی یکی از بااستعدادترین و پرمحصول‌ترین شاعر شناخته غزلسرا بوده است. وی که اهل علم و دانش بود، کسب اصلی‌اش باغداری بوده است. او در بازار سمرقند گاه گاه انگور و دیگر انواع میوه می‌فروخت و به نواختن دوتار و تنبور رغبت خاصی داشت و نیز در خوشنویسی، خطی خوش داشته است.

در کتاب درسی «ادبیات تاجیک»^{۱۱} (نشر سال ۱۹۸۸) از اشعار شاعر عارف و غزلسرا لوحی یغنایی برای نمونه یک شاهبیتی آورده شده که چنین است:

دیروز رفته بر سر بازار عاشقی ای دل، متاع مفرقه نفروختن چه سود.^{۱۱}

اگر سنت ایجاد سرود و موسیقی و ترانه‌های مردمی، زمانی در میان یغناییان سغدزبان در مقطعی متوقف شده باشد، اما می‌توان گفت که از آغاز سده ۱۹ سنت‌های موسیقی مردمی و همچنین اجرای سرود و ترانه‌های سنتی یغنایی توسط هنرمندان محلی نیز به حکم سنت درآمده است. نمایندگان برجسته هنر موسیقی سنتی قرنهای ۱۹-۲۰ در دره یغنا ب، شیرعلی خشارتایی، حاجی شخسرگی، قلندر کریانتی، خالمراد کریانتی، رمضان سیمیچی (ملقب با «زنده‌دل»)، محمدیار قلی، باباخان چوگنی، استاد دوتارنواز یغنایی یعنی باقی دوتاری

دَهَنگی، قاضی پتیبی (شش‌مقام‌خوان، فلک‌سرا)، استادان گوراغلی‌سرایان یغنا، شاه‌محمد سیمیچی (پسر زنده‌دل)، کوچک‌باقی ورساوتی، ایشان احمد‌خواجه کَشَاجی (دوتاری)، جمعه آقسقال دِه‌بَلندی (نی‌نواز)، عاشورعلی پتیبی (شش‌مقام‌خوان)، عزیز‌مراد خشارتابی (آوازخوان)، خالق‌بردی شِغَرمنی، قاسم دهنگی (پسر باقی دوتاری)، کتّه‌خان پَسکانی، انبیاخان پَسکانی (دوتاری)، محمدشریف شِغَرمنی، نورعلی نظام شِغَرمنی، میرزا رحیم دِه‌بَلندی (آوازخوان)، غیب‌الله نعمت شِغَرمنی (آوازخوان در ژانرهای «عاشقی»، «مخمس»، «هوازی» و «فلک»، دولت غَرمنی (فلک‌سرا)، سمندر دولت غَرمنی (حافظ و تنبورنواز و دوتارنواز) اسماعیل ساکنی (دوتاری)، بای‌خان خِشارتابی (دایره‌نواز)، نبات قربان کِریانتی (غیژک (کمانچه) نواز)، قربانعلی کِریانتی (دایره‌نواز)، میرزادولت تگاب و تَخانی (گوراغلی‌سرا)، نوروزخان کِریانتی (گوراغلی‌سرا)، حکیم کوک‌تِپگی (دوتاری) عبدالخالق زومندی، باباسنگ زومندی (دوتاری)، میرزاخان زومندی (دایره‌نواز)، بیک‌نظر سفیدارکی (دوتاری)، عنایت سفیدارکی (دوتاری) و غیره بوده‌اند که سهم هر یک از این هنرمندان خوش‌ذوق و زنده‌دل یغنا، در زنده و پایدار و استوار و پای برجا نمودن سنت‌های خوب سرود و موسیقی یغنا، بسیار نظررس است.

سنت نیاکان را امروز حافظان و هنرمندان و مطربان یغنا، عبدالله سلطان، مرادعلی نورعلی‌یف، همدم قلی، زینب موئگل‌اوا، میرزاعلی مولاناف دِه‌بَلندی، میرزا صفر مولاناف؛ صنور کوک‌تِپگی، عنایت پَسکانی، انور کوک‌تِپگی، قربانعلی کوک‌تِپگی، عاشورعلی یغنا، شاه‌رحمت خِشارتابی، فضل‌الدین خِشارتابی و غیره ادامه داده‌اند که برای رشد و اعتلای فرهنگ و سنت‌های خوب و شایسته موسیقی سنتی یغنا، سهم بسزایی دارند.

پی‌نوشت‌ها:

1. Таджикова З. М., Хромов А. Л. Песенное творчество ягнобцев. Ахбороти АФ РСС Тоҷикистон (серияи шарқшиносӣ, таърих, филология) №2. Душанбе, 1991 саҳ. 66-74.
۲. میرزایف س. - «سرودهای یغناپی»، پژوهشنامه (مجموعه مقالات)، دوشنبه، ۲۰۰۲، ص ۵۱-۴۴
۳. میرزایف س. - «فلک و نقش آن در ایجادیات شفاهی واحه یغناپ»، فلک و عنعنه‌های بدیعی مردمان آسیای مرکزی، مواد سمپوزیوم بین‌المللی (۲۶-۲۸ مارس). دوشنبه، ۲۰۰۴، ص ۹۱-۱۰۰.
4. Акимбетов Ш. Очерки Когистана // Туркистанские Ведомости. - 1881. - №-2-3.
5. Junker G. Arische Forschungen: Yaghnobi studien. I. - Leipzig, 1930. s. 23.
6. Климчицкий С. И. Ягнобцы и их язык// Труды тадж. базы АН СССР. - Т. IX. История - язык - литература. - М., Л., 1940. С. - 139.
7. Андреев М. С., Пещерева Е. М. Ягнобские тексты, -М., Л., 1957.-с. 211-212.
8. Боголюбов М.Н. Ягнобский (новосогдийкий) язык, её Исследоавние и материалы. Автореф. дисс. док. филол. наук. Л. 1956. - с. 26.
9. Khromov A. L. The problem of the Yaghnobi Folklore. - Yadname-ye Jan Rypka. Prage, 1967, p. p. 255-260.
۱۰. ادبیات تاجیک (قرنهای ۱۶-۱۷ و ابتدای قرن ۲۰)، معارف، دوشنبه، ۱۹۸۸، ص ۳-۲۸
۱۱. بزرگمهر س.ب. - «تاریخ یک واژه، یا «یغناپ» چه معنی دارد؟»، «استاد عینی و اصالت زبان» (مجموعه مقاله‌ها)، دوشنبه، سینا، ۲۰۰۴، ص ۷۹-۸۵
۱۲. بزرگمهر س.ب. - «یغناپ- معمای مردم‌شناسی جهان»، جمهورییت، شماره ۱۱۰، ۲۰۰۳/۳۰/۰۹، ص ۳-۲
۱۳. توره‌یف ب.ب. (بزرگمهر) - «گذشته یک قوم کوچک و تاریخ یک زبان نادر»، مجله پیام دانشگاه ملی، شماره ۲، دوشنبه، ۲۰۰۴، ص ۳۷-۴۵.